

روایت یک کوهنورد و غارنورد خراسانی از سال‌ها فعالیت برای حفاظت از طبیعت و دنیای زیر زمین

۱۵ سال تلاش برای نجات غارها



عباسعلی سپاهی یونسی | میهمان این هفته من حمید نظام‌دوست از آن دسته آدم‌هایی است که کوه برایش فقط صعود و غار تنها مقصد یک برنامه ماجراجویانه نیست. مسیر زندگی او از کوه‌نوردی و سنگ‌نوردی در سال‌های کودکی و نوجوانی آغاز شد و به صعودهای بلند و بعدها به عشق به غارها رسید. او در این سال‌ها علاوه بر آموزش و توسعه غارنوردی، بخش مهمی از فعالیت خود را به حفاظت از غارها، پاک‌سازی آن‌ها و مطالبه‌گری

قصه من از سنگ شروع شد

من متولد خرداد ۱۳۵۵ هستم و در یک خانواده پرجمعیت بزرگ شدم. ورزش از همان سال‌های کودکی در خانواده ما جدی بود. پدرم ورزشکار بود و برادرم جواد هم ورزشکار خوبی بود. پسر خاله‌ام مرحوم عباس جعفری؛ کوهنورد، نویسنده و عکاس هم از فعالان این حوزه بود و در راه‌اندازی باشگاه کوهنوردی آزادگان نقش داشت. آن زمان من بچه بودم؛ حدوداً نه‌ساله. عباس خان‌اش نزدیک کوه خلیج بود و ما هم در محدوده ۱۷ شهر یور زندگی می‌کردیم. هر وقت آن‌ها به کوه می‌رفتند، من هم با آن‌ها می‌رفتم. کم‌کم متوجه شدم که به قول عباس «زیر و زرنگ» هستم و عباس به برادرم می‌گفت: «جواد، این حمید را بیاوریم توی کار سنگ‌نوردی» همین شد که سنگ‌نوردی وارد زندگی من شد. هر جا آن‌ها برای سنگ‌نوردی می‌رفتند، من هم می‌رفتم. سنگ‌ها و دیواره‌ها برایم جذاب بود و بالا می‌رفتم. حدود ۱۲-۱۱ سالگی سنگ‌نوردی را شروع کردم و در ۱۵ سالگی جزو سنگنورد های حرفه‌ای خراسان بودم. در چند مسابقه شرکت کردم و مقام‌هایی هم بدست آوردم.



پس از آن، وارد دیواره‌های بلند شدم. چندین مسیر از دیواره علم کوه را صعود کردم و چندین مرحله از مسیر گرده آلمان‌ها، علم‌کوه را در برنامه‌های زمستانی و غیرزمستانی صعود کردم. در بعضی دیواره‌ها کار بازسازی انجام می‌دادم تا دیگران بتوانند با ایمنی بیشتری وارد مسیر شوند. دیواره‌های بیستون را هم

غار فقط یک حفره نیست

یکی از مشکلات ما این است که هنوز خیلی‌ها نمی‌دانند چرا باید از غارها حفاظت کنند. اگر بخواهم ساده‌بگویم، غارها قلب زمین هستند. همان‌طور که قلب برای بدن انسان اهمیت دارد، غارها هم در چرخه طبیعی زمین نقش مهمی دارند. یکی از مهم‌ترین دلایل، آب است. بسیاری از غارها در ساختارهای آهکی و کارستی شکل گرفته‌اند و این لایه‌ها می‌توانند آب را در خود ذخیره کنند. بخشی از منابع و سرچشمه‌های آب با همین ساختارهای طبیعی ارتباط دارند. بنابراین وقتی یک غار تخریب می‌شود، فقط یک فضای زیرزمینی از بین نمی‌رود؛ ممکن است بخشی از یک سیستم طبیعی آب هم آسیب ببیند. غارها از نظر زمین‌شناسی و تاریخی هم اهمیت دارند. بعضی از آن‌ها میلیون‌ها سال قدمت دارند و در طول تاریخ محل حضور انسان بوده‌اند. سنگ‌نگارها، نوشته‌ها و آثار مختلفی که در برخی غارها وجود دارد، اطلاعاتی درباره گذشته در اختیار ما قرار می‌دهد.

از نظر علمی هم غارها یک آزمایشگاه طبیعی هستند. ما در غار مغان چند مرحله کار علمی انجام دادیم و چهار گونه میکروسکوپی خاص شناسایی شد. چون امکانات لازم برای بررسی در داخل کشور نداشتیم، نمونه‌ها برای بررسی تخصصی‌تر در اختیار یکی از دوستان قرار گرفت و به خارج از کشور ارسال که مشخص شد این گونه‌ها از نظر علمی اهمیت دارند. حتی یک بخش کوچک از ساختار غار می‌تواند اطلاعات زیادی درباره گذشته منطقه

وقتی وارد دنیای زیر زمین شدم



در سال‌های ۸۸-۸۷ با تشویق برادرم جواد نظام‌دوست که آن موقع با کمک تعدادی از اعضای باشگاه کلپ دماوند تهران درصدد تشکیل انجمن غار و غارشناسی کشور بودند وارد دنیای زیر زمین شدم. هم‌زمان با تشکیل انجمن غار و غارشناسی، دعوتی از متخصصان غارنوردی و غارشناسی بین‌المللی در تهران نیز شکل گرفت و تعدادی از علاقه‌مندان از اقصی نقاط کشور در این رویداد شرکت کردند. در این دوره‌ها نحوه پیمایش و تکنیک‌های غارنوردی تک‌طناب و در حوزه نقشه‌برداری، عکاسی و زمین‌شناسی آموزش‌ها به حاضران داده شد. آنجا بود که متوجه شدیم غارنوردی فقط رفتن به داخل یک حفره و پیمایش آن نیست. دنیای زیر زمین، دانش و قواعد خودش را دارد و برای شناخت آن باید آموزش تخصصی دید. پس از پایان دوره، با خودمان گفتیم این آموزش نباید فقط برای همین ۳۰ نفر بماند. اگر قرار است غارنوردی در کشور توسعه پیدا کند، باید این دانش را به دیگران هم منتقل کنیم. همین موضوع زمینه تشکیل انجمن غار و غارشناسی ایرانیان را فراهم کرد. انجمن در اواخر سال ۸۸ و اوایل سال ۸۹ در وزارت کشور ثبت و قرار شد در استان‌ها هم دفتر نمایندگی داشته باشد. از سال ۱۳۹۰ مدیریت انجمن غار و غارشناسی خراسان رضوی را در مشهد برعهده گرفتم و تا امروز حدود ۱۵ سال است که در این حوزه فعالیت می‌کنم. در همان سال‌ها

روی تکنیک‌های تخصصی غارنوردی هم کار کردیم. یکی از آن‌ها «سینگل راپ تکنیک» بود؛ یعنی صعود و فرودهای عمیق با یک طناب. ما این تکنیک را توسعه و آموزش دادیم. انجمن در سال‌های نخست، اکسپدیشن‌های بین‌المللی هم برگزار می‌کرد، اما بعدها به دلیل مشکلاتی که برای مجوز انجمن پیش آمد، تصمیم گرفتم فعالیت‌های بین‌المللی را متوقف کنیم و به‌سراغ برنامه‌های داخلی برویم. آن زمان دیگر نیروهایی داشتیم که در حوزه‌های مختلف آموزش دیده بودند؛ غارنورد حرفه‌ای، عکاس و نقشه‌بردار غار تربیت شده بود و می‌توانستیم کار را در داخل کشور ادامه دهیم. حاصل آن سال‌ها، شکل‌گیری یک شبکه از غارنوردان و علاقه‌مندان در استان‌های مختلف بود که هر کدام در منطقه خودشان کار را ادامه دادند.

نخستین مأموریت؛ پاک کردن غارها

کیم. در نهایت مجوز گرفتیم که تعداد معدودی وارد شوند. بخش زیادی از زباله‌ای که آنجا وجود داشت، مربوط به پوکه بود. نزدیک هزار پوکه از غار بیرون آوردیم. بعد برای مسئولان توضیح دادیم که اینجا یک محیط معمولی نیست. این برای چه ارزشی دارد. نخستین فعالیت‌ها از غار یخ‌مراد تهران شروع شد و بعد به استان‌های مختلف رسید. حالا اگر سابقه این برنامه را حساب کنیم، از هفدهمین سال پاک‌سازی غارها صحبت می‌کنیم. در خراسان رضوی هم حدود ۱۵ سال است که سرپرستی برنامه‌های پاک‌سازی را برعهده دارم.

در این سال‌ها چندین تن زباله از غارها و دره‌های استان خارج کرده‌ایم. از غار مغان حدود ۲ تن زباله جمع شد. از غار کارکرده حدود ۸۰۰ تا ۹۰۰ کیلوگرم و از غار مزدوران هم حدود ۹۰۰ کیلوگرم زباله خارج کردیم. از دره‌های اطراف هم در چند مرحله حجم قابل توجهی زباله جمع‌آوری شد. شروع کار اما اصلاً ساده نبود.

یک سال برای پاک‌سازی فراخوان دادیم و در نهایت چند نفر بیشتر نیامدند. یادم هست در غار مزدوران حدود پنج نفر بودیم. غار در اختیار ارتش بود و برای ورود باید هماهنگ می‌کردیم و مجوز می‌گرفتیم. حتی در آنجا برنامه‌های «خشم شب» برگزار می‌شد.

نامه زدیم و توضیح دادیم که می‌خواهیم غار را پاک‌سازی



برای غارها قانون خواستیم

می‌تواند برای منطقه درآمد ایجاد کند. درجه چهار هم غارهایی هستند که از نظر علمی ارزش ویژه‌ای ندارند، اما تشخیص این موضوع کار متخصص است. گاهی ممکن است ما وارد یک غار شویم و تصور کنیم چیز خاصی ندارد، اما یک زمین‌شناس یا آب‌شناس در همان غار چیزی ببیند که ارزش علمی بالایی داشته باشد. برای غار مغان هم با توجه به آسیب‌هایی که در طول سال‌ها دیده، پیشنهاد دادیم قسمت‌هایی که هنوز ارزش علمی، زمین‌شناسی و آبی دارند، بسته بمانند. بارها نامه زدیم و گفتیم اگر قرار است کاری برای حفاظت از غارهای استان انجام شود، مغان می‌تواند نقطه شروع باشد. یکی از دغدغه‌های اصلی من این است که این آیین‌نامه‌ها فقط روی کاغذ نمانند. وقتی برای غار درجه‌بندی انجام داده و گفته‌ایم در یک غار باید بسته باشد، باید سازوکار اجرایی هم داشته باشیم. حتی درباره مشکل نشود. در این ۱۵ سال، بخش زیادی از وقت‌م را در همین مسیر گذاشته‌ام؛ از پاک‌سازی و آموزش گرفته تا معرفی غارها و پیگیری‌های اداری. اگر همه فعالیت‌هایی را که در سنگ‌نوردی و کوه‌نوردی داشته‌ام کنار بگذارم، باز هم حجم کاری که در حوزه غارنوردی انجام داده‌ام، برای خودم بسیار مهم‌تر است.

نه یک نفر. حالا اگر بخواهم یک آرزو برای آینده داشته باشم، این است که خراسان جایگاهش را در غارشناسی حفظ کند. خراسان در این حوزه سابقه دارد و افراد مهمی از این منطقه در شکل‌گیری دانش و آیین‌نامه‌های غارشناسی نقش داشته‌اند. بیش از ۱۵ گونه جانوری از غارهای این منطقه به دنیا معرفی شده است. دوست دارم این «اولین‌ها» حفظ شود و جوان‌هایی بیایند که این مسیر را ادامه دهند و از آن جلوتر بروند. آرزو دارم خراسان در آینده یکی از قطب‌های مهم غارشناسی در شرق کشور باشد. من از سنگ و دیواره شروع کردم و به اعماق زمین رسیدم، اما امروز مهم‌ترین دغدغه‌ام حفاظت است. اینکه غارها را بشناسیم، ارزششان را بفهمیم، پاکشان کنیم، برایشان ضابطه داشته باشیم و کاری کنیم که نسل بعد هم بتواند این میراث طبیعی را ببیند.

میراثی برای نسل بعد

سنگ‌نوردی به خودمان هم ایراد گرفتیم که چرا باید بی‌دلیل روی دیواره‌ها رول کوبی کنیم. برای حفظ دیواره‌ها ضوابطی تدوین کردیم تا اگر امکان استفاده از ابزارهای کم‌آسیب‌تر وجود دارد، از میخ‌کوبی و ایجاد آسیب غیرضروری جلوگیری شود. در این سال‌ها از وقت خانواده‌ام هم زدم. بخشی از تجربه‌ها و پیگیری‌های این سال‌ها را هم در قالب کتاب «کوهی که زنده ماند» جمع کردم. هر چند بخشی از این مطالب به دلیل حساسیت‌های منطقه‌ای و مسائل مختلف امکان انتشار پیدا نکرد. خودم مطالب را جمع‌آوری کردم، اما در تمام این سال‌ها دوستان و همکاران زیادی کنارم بودند. اگر کاری انجام شده، حاصل تلاش یک مجموعه است،

پس از مشکلاتی که برای انجمن پیش آمد، با خودمان گفتیم اگر روزی مجوز انجمن را نداشته باشیم، نباید فعالیت غارنوردی متوقف شود. همه ما آموزش دیده بودیم، بنابراین تصمیم گرفتیم باشگاه‌های تخصصی غارنوردی را راه‌اندازی کنیم. در سال ۱۳۹۳ نخستین باشگاه تخصصی غارنوردی خراسان با نام «کاوشگران» را راه‌اندازی کردیم و بعد استان‌های دیگر هم به سمت راه‌اندازی باشگاه رفتند. سال ۱۳۹۵ مسئولیت کارگروه حفظ محیط کوهستان خراسان را پذیرفتم. همان ابتدا گفتم اگر قرار است مسئولیت داشته باشم، باید اختیار دفاع از محیط زیست را هم داشته باشم. اگر یک کوه یا دیواره در حال تخریب است، نمی‌توانم به خاطر روابط افراد سکوت کنم. در آن هفت سال تلاش کردم ۲۳ شهرستان را وارد کار کنم و آموزش‌های محیط زیستی را در حوزه‌های مختلف پیش ببریم. حتی در

